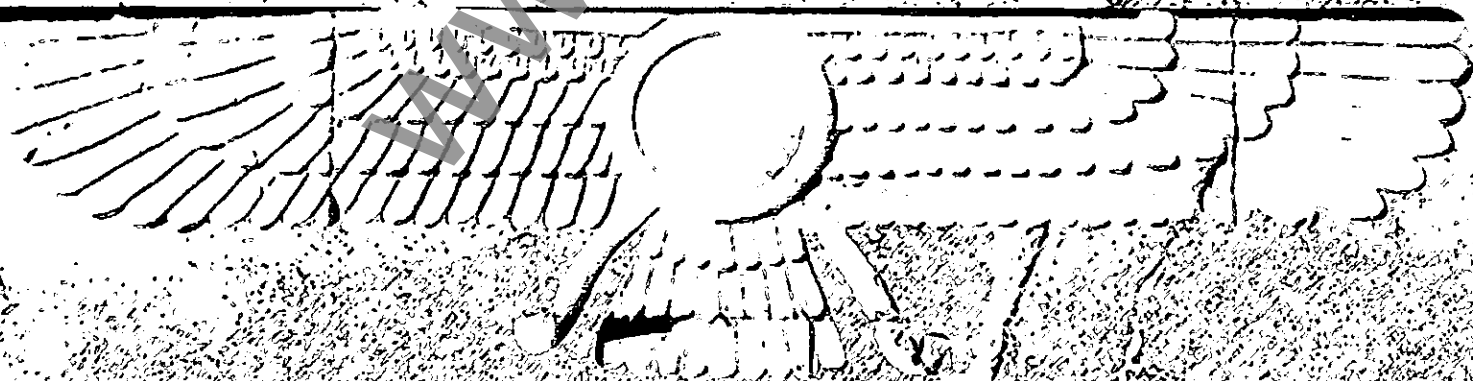


شیرین نام را دهان

ویژه دبی و دران و ارگان فار

تروشن و کرد آوری: مجید



فرزان: فلسفه

ویژه دبی: مجید





فرهنگ نام ماه های ایرانی سیمین حق

نگاره‌ی روی کتاب: اداسکاتیان

نگاره‌ی زمینی برک: مرکان شمس

برگردان به انگلیسی: رویا نجیب، با همکاری سیمین حق و کار علیرضا شجریان و آیات قحطی

گرایش و آرایه‌ی واکاوی: مجید اکبرزاده

سرشناسه	حق، سیمین
عنوان و نام پدیدآور	فرهنگ نام ماه‌های ایرانی / پژوهش و گردآوری سیمین حق.
مشخصات نشر	تهران: بال سو، ۱۳۹۱
مشخصات ظاهری	۲۰۴ ص: مصور (رنگی)
شابک	978-600-6470-02-3
وضعیت فهرست نویسی	فیبا
یادداشت	فارسی - انگلیسی
یادداشت	واژه‌نامه.
موضوع	ماه‌های خورشیدی
موضوع	گاه‌شماری ایرانی -- تاریخ
رده بندی کنگره	۱۳۹۱ ح ۷۴/۴ CER
رده بندی دیویی	۵۲۹/۲
شماره کتابشناسی ملی	۲۸۷۱۱۵۱

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: مجتمع چاپ طیف‌نگار

نشانی: تهران، میدان حسن آباد، خیابان شیخ هادی، کوچه‌ی زمان‌پور، پلاک ۱۹ واحد ۱۰

تلفن: ۰۹۳۳۵۴۸۱۳۶۵-۰۹۱۲۵۴۳۱۳۶۵

پست الکترونیک: balsoo2010@gmail.com

سایت: www.balsoo.ir

چاپ اول: ۱۳۹۲

شمارگان: ۵۰۰

قیمت: ۱۰۰۰۰۰ تومان



فهرست کار کتاب:

سپاس نامه
شناسه‌ی پژوهشگر
پیش گفتار
آوانوشت این دفتر

فروردین
آرد بهشت

خرداد

تیر

امرداد

شهریور

مهر

آبان

آذر

دی

بهمن: و بهمن

اسفند: اسپندار مذ

واژه نامه

منابع پژوهش

www.ketab.ir



سپاس نامه:

در جایگاه پژوهنده و گردآورنده‌ی این دپیستر (دفتر)؛ بر خود بایستی می‌دانم که در پیستگاه فرزندان آوازه
فرهنگ و تاریخ ایران زمین، سرگرنش فرود آورم و با ارج نهادن به پایگاه فرهنگی و تاریخی استاد گرانمایه
غلامرضا دایه که سال‌ها در دانشگاه‌های گوناگون سراسر ایران، استاد ایران‌شناسی و راهنمای فرزندان
این آب و خاک سپنتا بود و پدر فرزندان، و یشتاسپ دایه که یگانه‌ترین دوست و یاور من در کار
پژوهش‌های ایران‌شناسی بود، این دپتیرهای کنشیم.

در رهنمود کار از گرانمایگان جهانگیر نصری اشرفی - بانو بهرام‌رستی اصائلو و دخت گرانمایه اش مهرآفرین
اکبری - گرانمایه آناهیتا حتی - دوست فرزانه، علیرضا شجریان - بانو رویا نجم، بهمن هنرمند گرامی مژگان شجریان و
گرانمایه آوا مژگانان سپاس بی‌پایان دارم که هر یک به گونه‌ای زمان ارزشمند خود را در راه گسترش
فرهنگ ایرانی، بارور ساخته و مراد نگارش این دپتیرهای نمودند.

به گفتار دانشدگان براد جوی
به کیتی پوی و به هر کس بگوی
از زهر دانشی چون سخن به شنوی
ز آموختن یک زمان نقوی
آ چو دیدار یابی به شاخ سخن
بدانی که دانش نیاید بر بن

پاینده ایران - جاوید حسد فروغان ایرانی.

www.ketab.ir

پیش گفتار

به نام آفریدگار محسوس و زیبایی و هنر

نژادگی، زیبایی و رسیایی زبان پارسی، آفریدگار واژگانی شد که در این دستر پیش رو دارید.

فرهیختگان بی نام و آوازه ای که در آفرینش وات ها و واژه ها کوشیدند؛ روزهای بیشاری را با رنج و کار و پیکار و

پژوهش گذراندند تا فرزندان سرزمین شان به زبان سستای پارسی، سخن گویند و این ارمنان را که از مادران

کرانه های و پدران سخت کوش، بدانهار سیده است. به یی و ار جانی، پاس بدارند.

در رهنمادار این شناخت و نگارش نا کرانمند، فرازمان بیانی برگشته و مرد ساز پدید آمد که چون ژرف به آنها

بنگریم؛ هر یک، دستری گویا و پر بار است.

واژه ها و فرازمان ها در هر سرزمینی، بار فروغ و توان و نیروی فرمان نهاد مردمان همان گو از سرای خاک را با

خود به همراه می آورد.

به همین رو در سرزمین جاوید انیرونت (= ایران = جای مردمان آزاده) واژگان و فرازمان ها، پیام:



آزادگی، دُستی، سرشاری، زیبایی، مهربانی بر خود و چیرگی بر همتی هاد را در بر دارد.

۲. واژگان پستای آفریدگاری که حریم و فرهنگ پاری این گونه شناخته می شود:

تاریخ: فرهنگ به کردار پیوسته است.

فرهنگ: فرا برکت و پیش برنده ی هنر و آهنگ به سوی برترین توانایی های نیک در زندگانی راستین

است.

زبان: پیالای با هم فهمی است.

همتی: جلوه گاه آفرینش است.

عشق: میدان ربایش زیبایی است.

و زیبایی: آینه ی آئین آفرینش همتی است.

من در جایگاه فرزندی از ایران زمین، بر آن شدم تا فرو شکوه ایزدی زبان سرزمینم را بشناسم و ریشه ی

این درخت کهنسال را از دل تاریخ پستای زاد بومم بر آورم و بدان یکم بگم تا به جان جان

منسوی واژه ماد آیم و به یاد سپارم:

"آنان که آفریدگار و سازندگار و پروردگار این وات ما و واژگان بودند، با چه ژرفایی به زندگانی نگرستند تا اینگونه

آفریدند و گذاشتند و رفتند!!"

به راستی بر این باورم که اگر فرزندانمان؛ ریشه در ژرفای فرهنگ و تاریخ کشور زمین خود بکستانند؛ هیچ بیکار و
دیدگاه ناخجاری، بر آمان چیرگی نمی یابد؛ همانند فرزندی که چون به توانایی ها و زیبایی های کشور مادر و پدر آگاهی
ناب دارد و در ذرات استوار خانواده ی راستین گام می زند؛ حتی اشش آبشویی بر سرش می کشد
آفریدگاری های مادر و پدر دارد و فریب و فریجار را بدو راهی نیست.

اگر فرزند هر سرزمینی، از واژه ها و زبان نژاده ی خود، آگاهی ناب یابد؛ یگانه فهمی زادبومی، پستوانی
زندگانی و زیست اوست. زیرا:

واژه؛ پیاله ی واریز معنا و

زبان؛ آوند باهم فهمی است.

از اینروست که در ایران زمین در هر استانی، هر تیره و دوده ای نخست ماکویش زادبومی خود، فرزندانش را
پرورش می دهد و پس در یگانه بینی و یگانه فهمی زبان پارسی، به آموزشش فراگیرد و یگانه زبان پارسی
کنونی می پردازد.

آنچه امروز در دست ما به نام زبان پارسی به جا مانده است، آمیزه ای از زبان های بیگانه است که اگر به
پاسداری از ریشه ی آن برنخیزیم؛ شاخ و برگش می خشکد و به فراموشی سپرده می شود.
به همین فرموده به شناسایی کدش و دیرینه ی واژگان فروردین تا سپندارمذگان پرداختیم تا دریابیم:

که بر زبان و دیرینه ی پارسی از چند هزار سال پیش تا کنون، چه رهگذاری سپری شد که اکنون به دستان



رسیده است

چه فرویدی ای بی دوز در از انجی تاریخ ماروی داده است که فرزند انان با ژرفای معنای زبانشان بگانه اند؟

و چه کام مایی پدید داشت تا پشت و پشتیبان نژادگی زبان مادری مان باشیم و همچون نیاکانمان؛ به آفتوش واژگان زیبا و برگشته پردازیم.

در این دقتر، معنای نام دوازده ماه پاری:

فروردین آرد بهشت خردا تیر امرداد شهریور مهر آبان آذر دی بهمن و سپندارند نخواست می شود و در کنار آن، چرخش و دگرگونی گویش و دیربسی واژه بررسی شده و این دوازده واژه از دیدگاه بسیاری مینوی روشناس می گردد.

آنچه در خور ژرف نگری ویژه است، معنای جهان درون حکیم از این دوازده نام پاری است.

ایرانیان کهن بر این بینش بوده اند که معنا و ارج مینوی این واژه ها کارایی مانند در مردم، هنجارهای سرشت کیتی و پدیده های کارگاه هستی دارد. بدین چم که آنچه در هریاخذ از دیدگان سرای خاک یافت می شود، در هستی هاد در چهر هنجار، آشکار است.

به همین رو این دوازده واژه در جایگاه دوازده بنیاد هستی شناسی تا مردم شناسی بررسی می شود و آوای این واژگان؛ بانگ هشدار هر روز و هر ماه پاری برای پاری زبانی است که واژه ها را آوند عشق و زیبایی و هنر

ساخته‌اند. تردیدی نیست که چنین ارزشمندی را در فرهنگهای مردمان دیگر نیز پنهان و گشوده نیندازند. در این باره دید؛ ارج نهاد، به بزرگی و شکوهش خستاشد و به چشم جان و دل بدان نگریست.

جان سخن:

دریای ناگرا نمنند زبان پارسی؛ رسایی و زیبایی والایی در هنک و آهنگ دارد و این فراز مندی از آفریدگاری‌های ویژه‌ی فرهنگ پارسی است و اگر در گویش معنا، کاستی یافته می‌شود از ناتوانی و ناآگاهی پژوهنده است.

سپین

همایه‌ی آوا نوشت فارسی این دستر

z	ز + ذ + ض + ظ	a	آ + ا + ع
r	ر	o	اُ + اَو + و
z̄	ژ	e	آ + ا + ع + اَ + اِ
š	ش	ā	اُ + عا
f	ف	u	او + عو
q	ق + غ	i	ای + ی
k	ک	j	ب
g	گ	p	پ
l	ل	t	ت + ط
m	م	s	س + ش + ص
n	ن	j̄	ج
v	و	c̄	چ
y	ی	h	ح + ه
ow	او (مانند <i>mow</i> = تاک)	x	خ
ej	ای + یی	d	د
		د	ع